

تکلیف محوری در اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه الله علیه) با الگوپذیری از

اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام)

دکتر محمد حسین رجبی^۱

حامد مهرآبادی آرانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۲۰

چکیده

این تحقیق با عنوان و هدف «تکلیف محوری در اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمة الله علیه) با الگوپذیری از اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام)» انجام گرفته است. از آنجا که یکی از مقاطع مهم تاریخ ایران اسلامی، وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دفاع مقدس ملت مسلمان و شریف ایران است که قداست و اسلامی بودن اقدامات و الگوگیری از یک منبع معتبر و الهی در آن بسیار در خور توجه می‌باشد، اهمیت تحقیق حاضر را دو چندان می‌کند. به همین جهت پس از تحقیق و بررسی، برای اثبات این موضوع ابتدا به اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام) که در این عرصه تا کنون تحقیق زیادی صورت نگرفته، پرداخته و در ادامه به بررسی اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)، به عنوان فرماندهی کل قوا پرداخته‌ایم. در اجرای این تحقیق از بین مؤلفه های زیاد اندیشه دفاعی، مؤلفه مهم تکلیف محوری با ۷ شاخص در اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام) به عنوان الگو در نظر گرفته شد که این ۷ شاخص برای حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) نیز مورد بررسی قرار گرفت. و این نتیجه حاصل شد که حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) در همه شاخص های تکلیف محوری در سطح و وسعت اختیارات خود از امام حسین (علیه السلام) الگو گرفته و از ایشان پیروی کرده است.

تحقیق حاضر از نوع کاربردی - توسعه ای و از حیث روش توصیفی - تحلیلی است و از نظر منطق اجرا، پژوهش قیاسی است. روش و ابزار گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و اسنادی که به صورت مکتوب موجود است، انجام گرفته است.

کلید واژه ها: امام حسین (علیه السلام)، امام خمینی (رحمة الله علیه)، اندیشه دفاعی، تکلیف محوری

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)؛

۲. کارشناسی ارشد مطالعات دفاعی راهبردی.

مقدمه

بر اساس مطالعه تاریخ از یک سو با جنگ‌های قبیله‌ای، منطقه‌ای، قومی، نژادی و منفعت طلبانه‌ای مواجه می‌شویم که فقط بر اساس هواهای نفسانی بشر و مادیات روی داده است. از این قبیل جنگ‌ها می‌توان به جنگ‌های جهانی اول و دوم که در عصر حاضر رخ داده اشاره نمود و نشان داد که اگر جنگ‌ها مبنای الهی نداشته باشد؛ آنچنان به بیراهه کشیده می‌شود که ننگ آن هیچ‌گاه از تاریخ بشریت محو نخواهد شد. این جنگ‌ها در مرحله خاصی به پایان می‌رسند و در نهایت خشم و نفرت انسان‌ها را بر می‌انگیزند. از سوی دیگر و در مقابل آن نیز می‌توان به مبارزات پیامبران و اولیای الهی اشاره کرد که بر اساس تکلیف و امر خداوند در مقابل دشمنان دین و خدا ایستادگی کرده‌اند. این مبارزات بر اساس تعالیم الهی صورت گرفته است و در هیچ یک از محدودیت‌های زمانی، مکانی، ملی، نژادی، قومی و... نمی‌گنجد و در نتیجه زمان را در هم می‌نوردد و با توجه به این ویژگی که پایان‌ناپذیر بوده و در طول تاریخ جریان داشته، دارد و خواهد داشت. این نوع جنگ‌ها از تقدس خاصی برخوردار هستند؛ چرا که تحقق آرمان‌هایی چون نجات از بردگی‌ها و اسارت‌ها و استثمارها و... را در پی دارد و برای همه انسان‌های آزاده از هر دین و مذهبی مقدس و الگو می‌شود. یکی از بهترین و مقدس‌ترین این نبردها حادثه کربلا و حماسه امام حسین (علیه السلام) و یاران با وفای آن حضرت است. که در طول تاریخ الگویی برای همه آزادیخواهان و ظلم ستیزان گشت و همگان، مسلمان و غیر مسلمان از آن به نیکی و قداست یاد می‌کنند. امام خامنه‌ای (مدظله) درباره تأثیر و الگو بودن این جریان می‌فرماید: «عاشورا یک حادثه تاریخی صرف نبود؛ عاشورا یک فرهنگ، یک جریان مستمر و یک سرمشق دائمی برای امت اسلام بود. حضرت ابی عبد الله (علیه السلام) با این حرکت - که در زمان خود دارای توجیه عقلانی و منطقی کاملاً روشنی بود - یک سرمشق را برای امت اسلامی نوشت و گذاشت» (۱۳۸۴ / ۱۱ / ۰۵).

اگر بخواهیم در عصر حاضر از نبردی که بر اساس تکلیف دینی و الگوپذیری از آن حادثه عظیم رخ داده است نام ببریم، می‌توان به دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که در یک طرف آن عراق با تمام حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و با خوی و حشیرگری بدون در نظر

گرفتن تمام قواعد انسانی و اسلامی در جنگ قرار داشت و طرف دیگر ایران اسلامی بود که مبنای نظام و انقلاب آن را اسلام و احکام مقدس اسلامی شکل داده بود. به همین علت مراجعه به ابعاد مختلف دفاع مقدس و بهره‌گیری از زوایای مختلف و آموزنده آن لازم به نظر می‌رسد، چنانچه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله) درباره اهمیت مراجعه به حادثه بزرگ دفاع مقدس می‌فرماید: «هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه زمانی نیست؛ گنجینه عظیمی است که تا مدت‌های طولانی ملت ما می‌تواند از آن استفاده کند» (۱۳۸۸/۶/۲۴).

ما در این تحقیق به دنبال آن هستیم که میزان الگوپذیری اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) را از اندیشه دفاعی سالار و سرور شهیدان حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) در زمینه تکلیف محوری بررسی نماییم. بدون تردید هرچه انطباق این دو اندیشه بیشتر باشد قداست دفاع مقدس آشکارتر شده و شک و تردیدهای مغرضین و معاندین بی‌اثر و خود الگویی برای همه نسل‌های آینده این کشور و حتی همه مجاهدان حق علیه باطل خواهد شد.

بیان مسأله

دفاع در اسلام جزئی از جهاد و از واجبات و تکالیف الهی محسوب می‌شود که باید با شرایط مخصوص و آداب صحیح آن انجام گردد. یکی از صحنه‌های جهاد در صدر اسلام که بر اساس احساس تکلیف صورت گرفت حادثه کربلا و قیام امام حسین (علیه السلام) است که تا به امروز نه تنها از اهمیت و ارزش آن کم نشده است؛ بلکه روز به روز به عظمت و منزلتش افزوده شده است. به طوری که تمام آزادی‌خواهان عالم از آن به بزرگی یاد کرده و درس‌های آن را به عنوان الگوی مبارزات خود مد نظر قرار داده‌اند.

بعد از حادثه عاشورا جنگ‌های زیادی بین اسلام و کفر صورت گرفته است؛ اما به جرأت می‌توان اذعان نمود که جنگ تحمیلی و دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران که در سایه حکومت اسلامی رخ داد یکی از جلوه‌های ناب از قیام امام حسین (علیه السلام) محسوب می‌گردد. و جا برای پرداختن به آن بسیار لازم و ضروری است و تحقیق در این که مبانی فکری و اصول حاکم بر دفاع مقدس به چه اندازه با قیام سالار شهیدان که خود بر گرفته شده از تعالیم الهی و سنت پیامبر

اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و پدر بزرگوارشان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بوده است، مطابقت داشته کاری ضروری به نظر می‌رسد چرا که از یک طرف قداست یک جنگ وقتی خودش را نشان می‌دهد که طبق تعالیم دینی و الگوپذیری از جنگ و جهاد ائمه اطهار و به ویژه به نام حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه‌السلام) باشد و از طرفی امروز دفاع مقدس به عنوان نماد مقاومت و سند مشروعیت و حقانیت این نظام مطرح می‌شود و شهدای آن برای همه و به ویژه نسل جوان به عنوان الگو معرفی می‌گردند. بدون شک هر چه اندیشه حاکم بر دفاع مقدس به دستورات الهی و سیره ائمه - اطهار (علیهم‌السلام) نزدیک تر باشد، اثرات مثبت آن هم شگرف تر خواهد بود.

اندیشه دفاعی شامل اصول و مبانی است که بر اساس آن دکرترین و طرح‌های نظامی تدوین شده و در نهایت اقدامات اساسی و تاکتیکی در صحنه عمل به اجرا در می‌آید و چون دفاع مقدس یکی از جلوه‌های مبارزه در راه دین و خدا بوده است؛ قطعاً اصول و مبانی آن هم باید طبق دستورات الهی و سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد و از طرفی غفلت و نپرداختن به این حادثه عظیم و سرنوشت ساز فرصتی برای دشمنان این نظام فراهم خواهد کرد که به ایجاد شبهه و انحراف در آن پردازند و نسل‌های آینده را که باید ادامه دهندگان راه شهدا و رزمندگان باشند با تردید و سستی روبرو کنند. این تحقیق به دنبال آن است که انطباق اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه الله علیه) در دفاع مقدس را با اندیشه دفاعی امام حسین (علیه‌السلام) بررسی و تبیین نماید. و بعد از بررسی مؤلفه‌های عمده و پر کاربرد در زمینه اندیشه دفاعی به مؤلفه تکلیف محوری پردازد. برای این منظور محقق در مورد اندیشه دفاعی امام حسین (علیه‌السلام) مسایلی که بیشتر در مسیر قیام ایشان و به ویژه در کربلا رخ داده است، مورد بررسی قرار داده و آن را به عنوان مبنا و الگو در نظر گرفته و میزان انطباق آن را با اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) که رسالت حسینی و در حقیقت فرماندهی کل قوا در دفاع مقدس را بر عهده داشت، مورد بررسی قرار داده است.

پرسش تحقیق

آیا اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه الله علیه) در جهت ادای تکلیف الهی از اندیشه دفاعی امام حسین (علیه‌السلام) الگوپذیری داشته است؟

اهداف تحقیق

- ۱- اثبات و تطبیق اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه الله علیه) با اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام) در ادای تکلیف الهی؛
- ۲- ارائه یک الگوی عملی برای همه نسل‌هایی که بنا بر انجام تکلیف در صدد حفظ دین الهی و این نظام هستند؛
- ۳- شبهه زدایی از عملکرد حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) در دفاع مقدس.

نوع تحقیق

نوع تحقیق از نوع کاربردی- توسعه‌ای است. تحقیق کاربردی تحقیقی است که به دنبال دستیابی به راه حل مسائل و مشکلات موجود می‌پردازد. در این نوع تحقیق محقق درصدد است با استفاده از معیارها و روش‌های علمی به راه‌حلی دست یابد (بشارتی، ۱۳۹۳: ۸۰)

تحقیق توسعه‌ای، هرگونه فعالیت منظم مبتنی بر دانش موجود حاصل از پژوهش‌ها و تجارب است که به منظور تولید مواد، فرآورده‌ها و سایر ابزار و فرایندها و روش‌های جدید و یا بهبود آن‌ها صورت می‌گیرد (طیبی، ملکی، دلگشایی، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. که توصیف واقعی و منظم از خصوصیات و ویژگی‌های یک موقعیت یا موضوع است، به عبارت دیگر در این تحقیق، محقق سعی می‌کند، هست‌ها را توصیف نماید و بعد به تحلیل و علت‌یابی روابط بین پدیده‌ها و متغیرهای تحقیق پردازد (دلآوری، ۱۳۸۷: ۲۰).

مبانی نظری

تعریف اندیشه

«اندیشه» در لغت اندیشیدن، تأمل کردن، تفکر کردن و به طور کلی اعمال ذهن انسان است. به لحاظ وجود شناسی و منطقی نیز «اندیشه» و «فکر» بیانگر هر نوع کنش ذهنی فعال انسان صاحب عقل است.

به لحاظ معرفت‌شناسی، اندیشه نوعی معرفت یا دانش تلقی می‌شود که عبارت است از: مجموعه تلاش ذهنی دارای انسجام منطقی، چارچوب مشخص مبنای، مستدل و با اهمیت، درباره موضوعات خاص چون «سیاست»، «اقتصاد»، «جامعه»، «فرهنگ»، «دفاع»، «نظام» و... به بیان دیگر، اندیشه یعنی «هرگونه تلاش فکری منسجم، مبنادار، مستدل و مهم و دارای چارچوب نظری». بنابراین اندیشه دارای انواع و شعب گوناگونی است مثل «اندیشه سیاسی»، «اندیشه اقتصادی»، «اندیشه فرهنگی»، «اندیشه نظامی» و... (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۸).

اندیشه و تفکر فرایندی است که در آن عقل به عنوان ابزار محوری به کار می‌رود و ذهن با مرور معلومات، دانش‌ها و شهود در جستجوی کشف یک مجهول، حل مسأله و افق‌گشایی آینده است. در حقیقت انسان هر گاه با بهره‌گیری از دانش‌های موجود در نزد خود، به یاری ابزار عقل بکوشد تا مجهول و ناشناخته‌ای را حل کند، تفکر کرده و اندیشه ورزیده است (رشید زاده، ۱۳۸۹: ۵).

دفاع

تدابیری است که برای مقاومت در برابر حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری از سوی یک یا چند کشور مؤتلفه اتخاذ می‌شود. توانایی‌های دفاع بازدارندگی را تقویت می‌کنند و بازدارندگی نیز به این توانایی‌ها نیرو می‌بخشند. همچنین به حفظ و حمایت از ارزش‌هایی نظیر زندگی، مالکیت، آزادی، هویت ملی و تمامیت ارضی در برابر تهدیدهای گوناگون داخلی و خارجی و یا ساختار دفاع منتهی می‌گردد (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۴۴).

تعریف اندیشه نظامی و دفاعی

در دفاع چون ارتباط نزدیکی به مباحث نظامی داشته و حتی بعضی این دو واژه نظامی و دفاعی را یکی دانسته‌اند ابتدا به واژه نظامی اشاره‌ای داشته و ابعاد آن را مورد توجه قرار می‌دهیم.

اندیشه نظامی و اندیشه‌شناسی، موضوعی اساسی و تعیین‌کننده در رفتار و کارکردهای نظامی محسوب می‌شود. که درباره پدیده‌های نظامی است و پدیده نظامی هر چه باشد، در جامعه سیاسی تحقق می‌یابد؛ بنابراین نقطه آغاز تبیین چیستی اندیشه نظامی، شناخت چیستی جامعه سیاسی - نظامی

است (رشید زاده، ۱۳۸۹: ۳).

اندیشه نظامی، تفکر و تأملی است منسجم، دارای چارچوب نظری، اصولی و مستدل و با اهمیت در مورد امر یا رأی نظامی. یا به عبارت دیگر اندیشه نظامی، تفکری منسجم، موجه، اصولی، مهم و دارای چارچوب است که به بررسی مسأله بقای مادی و معنوی یک جامعه در مقابل خطرات و تهدیدات با توسل به قوه قهریه و سلاح و در جهت نیل به امنیت و تأمین منافع آن می‌پردازد (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۹-۲۸).

اندیشه دفاعی یک نوع دور اندیشی، آینده نگری و روشن بینی عمیقی است که در قالب طرح‌ها و برنامه‌های دقیق راهبردی موجب تأمین منافع ملی کشور در زمینه‌های مختلف در حال و آینده می‌شود (پیری، ۱۳۹۱: ۴۴).

اندیشه دفاعی عبارت است از تفکر و رویکردی که مجاهدان، رزمندگان و سازمان‌های دفاعی، مبتنی بر مبانی اعتقادی و مذهبی، تحولات محیطی و مبتنی بر تجارب و ذخایر تجربی دارند و در هر حوزه‌ای که دفاع در آن تکلیف و مأموریت باشد، حضور فعال دارند و بر اساس آن تفکر بتوانند فلسفه دفاعی‌شان را بیان و اعلام نموده، دستورات و قوانین دفاعیشان را تدوین و نهادینه و علوم و ابزارهای مورد نیازشان را تولید و به کارگیری نمایند. اندیشه دفاعی را باید بتوان در قالب سیاست، دکترین و راهبردهای دفاعی و در قالب فرهنگ، ساختار، سازمان، نظامات، قوانین، فنآوری و اصول رزم متجلی و به منصفه ظهور رساند. اهمیت اندیشه دفاعی به قدری زیاد است که هر چه بین اندیشمندان دفاعی یک کشور یا سازمان و بین مبانی، مؤلفه‌ها و دستاوردهای اندیشه دفاعی، وحدت، هماهنگی و یکپارچگی بیشتر باشد، موفقیت و پیروزی در دفاع بیشتر خواهد بود (خودسیانی، مقیسه، ۱۳۹۳: ۲۱۱-۲۱۰).

معنی لغوی و اصطلاحی تکلیف

تکلیف از ریشه (کلف) است و کَلَّفَ: (بر وزن فرس) در صحاح و قاموس گفته: کلف نقطه و خالی است که در پوست چهره ظاهر می‌شود (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۱۳۶).

واژه - کَلَّفَةُ - در سخن معمولی اسمی است برای مشقت و سختی. و - تَكَلَّفُ - اسمی است برای

کاری که با مشقت و حرص و ظاهر سازی انجام می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۳).
در اصطلاح و فرهنگ دین، تکلیف به فرمان الهی اطلاق می‌شود. مرحوم لاهیجی در «گوهر مراد» می‌گوید: تکلیف خطاب الهی را گویند که متعلق به افعال بندگان است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۰-۳۲).

چگونه تکلیف خود را بشناسیم؟

طبق آیات و روایت دو راه مهم، از بین راه‌های مختلف برای شناخت تکلیف بیان شده است:

درک شرایط زمان خود

انسان نباید نسبت به اتفاقات پیرامون خود بی تفاوت باشد؛ بلکه باید شرایط زمان خود را خوب درک کند تا هم دیندار زندگی کند و هم دین خود را حفظ کند؛ چرا که بعضی اتفاقات به مرور روح دینداری و اصل عبودیت را در انسان و جامعه زایل کرده و انسان از هدف متعالی خویش که همان هدایت و سعادت دنیا و آخرت است باز می‌ماند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُ فِي أَرْبَعٍ: أَوَّلُهَا: أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَالثَّانِي: أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ، وَالثَّلَاثُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَالرَّابِعُ: أَنْ تَعْرِفَ مَا يَخْرُجُكَ مِنْ دِينِكَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۲۴). یعنی: «علم مردم را همه، در چهار موضوع دانستم: اول پروردگارت را بشناسی. دوم بدانی با تو چه کرده. سوم بدانی از تو چه خواسته. چهارم بدانی چه چیز ترا از دینت بیرون برد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۴۷). بنابراین بر هر انسان دینداری که نسبت به دین و سعادت خود احساس تکلیف و مسئولیت می‌نماید واجب است شرایط حاکم بر زمان خود را هر چه بیشتر و بهتر بشناسد تا اگر دشمن توطئه‌ای در پیش گرفته باشد با درایت و اقدام مناسب آن را خوب شناخته و خیلی زود خنثی نماید. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَايسُ؛ هر کس زمان شناس باشد شب‌هات به او هجوم نمی‌آورند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۷). و در این راه اگر همه دینداران به این شناخت و درک مناسب برسند، یک اقدام هماهنگ و دسته جمعی برای حفظ دین و انجام تکلیف الهی صورت خواهد گرفت. و این به این معنی نیست که اگر دیگران به این حقیقت دست پیدا نکرده باشند تکلیف از دوش آگاهان برداشته خواهد شد. بلکه هر کس در حد توان خود باید به تکلیف

خویش عمل کند. خداوند در قران می فرماید: «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...»، خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او.. (بقره: ۲۸۶) و «...لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»، که خدا هیچ کس را جز به مقدار آنچه (توانایی) داده تکلیف نمی کند و خدا به زودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد (طلاق: ۷)

پیروی از امام و رهبر جامعه

یکی از بهترین روش های شناخت تکلیف، پیروی از رهبر و ولی امر است. ایشان با علم و آگاهی عمیق و خاص خود، شرایط را بخوبی زیر نظر داشته و تکالیف هر زمان را بر حسب آن شرایط معین می نماید، تا افراد جامعه دینی بر حسب وظیفه و توان خویش برای انجام تکلیف خود اقدام نمایند. بنابراین ارتباط با ولی امر و رهبری حکومت یکی از ضروریات جامعه مسلمین است. تا با ارتباط با ایشان اوضاع و شرایط حاکم خوب درک شده و تکالیف جامعه مشخص گردد. قرآن در این زمینه می فرماید: «... فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، شما اگر خود نمی دانید بروید و از اهل ذکر (و دانشمندان امت) سؤال کنید (نحل: ۴۳). جامعه مسلمین با اطاعت و پیروی از ایشان در راه شناخت و انجام تکلیف قدم برمی دارند. این روش و شیوه یکی بزرگترین ارکان دین است همان طور که امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يَنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»، «اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت و هیچ یک آن ها آن گونه که ولایت مطرح شده است، مطرح نگشته است» (حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، ۱۳۸۰: ۲۷۷). و خداوند اطاعت از امر آنان را واجب و شرط حل اختلافات و ایمان و دینداری دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و

خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود (نساء: ۵۹).

بنابراین اگر انسانی را مجبور کنند که همه علوم جهان را فرا گیرد، باز هم تکلیف به غیر مقدور است و صحیح نیست و هرگز از طرف یک مقام حکیم عادل چنین حکمی صادر نمی‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لا یكلف الله نفساً إلا وسعها؛ خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش مکلف نمی‌سازد» (بقره: ۲۸۶). اگر شخصی در حال غرق شدن است و ما قدرت داریم که او را نجات دهیم بر ما واجب است که او را نجات دهیم، اما اگر مثلاً هواپیمایی در حال سقوط است و ما به هیچ وجه قادر نیستیم جلوی سقوط آن را بگیریم تکلیف از ما ساقط است، یعنی خداوند ما را به خاطر کمک نکردن به جلوگیری از سقوط هواپیما مؤاخذه نمی‌کند (مطهری، بی‌تا: ۲۹۷).

سیره دفاعی امام حسین (علیه‌السلام)

هدف این تحقیق بیشتر به بررسی اندیشه دفاعی امام حسین (علیه‌السلام) در مسیر قیام آن حضرت در زمان یزید که منجر به رخ دادن حادثه عظیم کربلا شد منعطف شده است؛ اما برای تبیین عمیق‌تر اندیشه دفاعی امام حسین (علیه‌السلام) ابتدا به طور گذرا نگاهی به حضور مدافعانه ایشان نسبت به دین الهی در مقاطع مختلف تاریخ از زمان پیامبر تا خلافت معاویه می‌اندازیم که می‌توان این مقاطع را به هفت مقطع تقسیم کرد:

۱. حکومت نبوی (صلی‌الله‌علیه‌وآله)؛ ۲. حکومت خلیفه اول؛ ۳. حکومت خلیفه دوم؛ ۴. حکومت خلیفه سوم؛ ۵. حکومت علوی (علیه‌السلام)؛ ۶. دوران کوتاه حکومت امام حسن مجتبی (علیه‌السلام)؛ ۷. حکومت معاویه؛ ۸. حکومت یزید.

امام حسین (علیه‌السلام) در زمان پیامبر کودکی بیش نبود؛ اما همراهی او با پیامبر و ذکر روایتی از جنگ احد- که یکی از سخ‌ترین جنگ‌های پیامبر بوده است- را می‌توان دلیلی بر شکل گرفتن شخصیت و اندیشه آن حضرت برای آمادگی جهت دفاع و مبارزه با دشمنان اسلام دانست چنانچه حضرت امام رضا (علیه‌السلام) روایت کرده که حسین بن علی (علیهما‌السلام) فرمود: رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را دیدم که بر حمزه پنج تکبیر گفت، و بر شهداء دیگر بعد از حمزه پنج تکبیر، پس بر حمزه هفتاد تکبیر رسید (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ج ۲: ۶۱)

امام حسین (علیه السلام) به سبب شخصیت ممتاز و نسب برجسته اش، در زمان خلفای سه گانه مورد احترام دستگاه خلافت بود، تا آنجا که انتقادات سخت آن حضرت را با بردباری تحمل می کردند و سعی در حفظ حرمت وی داشتند. در برخی از کتب اهل سنت آمده است که: روزی خلیفه دوم بر منبر، خطابه می خواند که حسین (علیه السلام) خطاب به وی فرمود: «از منبر پدرم فرود آی و بر منبر پدر خویش بنشین!». عمر با خونسردی پاسخ داد: «پدرم که منبری ندارد!». آنگاه حسین (علیه السلام) را در کنار خویش نشانند (و به او اظهار محبت کرد).

در زمان عثمان نیز، در چند ماجرا حضور امام حسین (علیه السلام) ثبت شده است که هر کدام به گونه ای نشان احترام و عظمت آن حضرت میان عموم مسلمانان و مراعات حریم آن حضرت از سوی دستگاه حاکمیت بود. امام حسین (علیه السلام) همراه پدر بزرگوارش امیرمؤمنان (علیه السلام) و برادر ارجمندش امام حسن (علیه السلام) در مسیر هدایت مسلمین و دفاع از مظلومان حضور سازنده ای داشت و به وظیفه خویش - بدون توجه به تهدیدات مخالفان عمل می کرد. گاه خشم خلیفه سوم را بر می انگیزخت، و در عین حال مورد تعرض دستگاه خلافت قرار نمی گرفت، آنگونه که ابوذر و عمار و عبدالله بن مسعود، مورد تعرض و ضرب و شتم عثمان و عمال وی قرار گرفتند، زیرا افکار عمومی سخت با این کار مخالف بود و از روی ناچاری حرمتش را مراعات می کردند.

امام حسین (علیه السلام) در زمان خلافت پدر بزرگوارش، همراه آن حضرت در جنگ هایش علیه ناکثین، قاسطین و مارقین شرکت مؤثر داشت؛ در جنگ جمل فرماندهی جناح چپ سپاه امیرمؤمنان (علیه السلام) به عهده وی بود و در جنگ صفین، چه از راه سخنرانی های پرشور و تشویق یاران علی (علیه السلام) برای شرکت در جنگ و چه در مسیر پیکار با قاسطین حضور فعال داشت. در ماجرای حکمیت نیز یکی از شاهدان این ماجرا از طرف علی (علیه السلام) بود. امام حسین (علیه السلام) پس از شهادت پدرش امیرمؤمنان (علیه السلام) در کنار برادرش امام حسن (علیه السلام) که امام و پیشوای زمان خود بود، قرار گرفت و به هنگام حرکت نیروهای امام مجتبی (علیه السلام) به سمت شام، همراه آن حضرت بود و هنگامی که امام حسن (علیه السلام) با پیشنهاد صلح از سوی معاویه مواجه شد، در این باره، با امام حسین (علیه السلام) و عبدالله بن جعفر به گفت و گو پرداخت و پس از انعقاد پیمان صلح،

همراه برادرش به مدینه بازگشت و در همانجا اقامت گزید.

امام حسین (علیه‌السلام) چه در زمان رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و چه پس از آن حضرت، تا زمان خلافت معاویه همواره مورد احترام مسلمانان و خلفا قرار داشت، چرا که وی علاوه بر امتیازات انسانی و عظمت روحی و معنوی و کرامت و بزرگواری، فرزند رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و مورد محبت فوق‌العاده او بود، ولی در زمان معاویه و سپس یزید وضع دگرگون شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۶).

امام حسین (علیه‌السلام) در دوران معاویه

پیشوایی امام حسین (علیه‌السلام) در اوایل سال پنجاه هجری محقق شد و در آن دوران ستمگری بنی امیه به اوج رسیده بود و تمام همت آنان در نابود ساختن احساسات و مقدّسات اسلامی امت خلاصه می‌شد. معاویه به والیان خود در سراسر کشور نامه نوشت و از آنها خواست شیعیان را از کارهای دیوانی بر کنار کرده، سهم آنها را از بیت المال قطع کنند و گواهی دوستانان علی (علیه‌السلام) را در هیچ محکمه‌ای نپذیرند و حتی به والیان خود امر کرد، هر کس را به صرف اینکه شبیه شیعه بودن در مورد او برود، به قتل برسانند! در همان دوران یکی از سران بزرگ شیعی «حجر بن عدی» و یارانش ناجوانمردانه توسط یاران معاویه به شهادت رسیدند و «عمرو بن حمق» یکی از صحابیان ارزشمند پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز به قتل رسید. به علاوه معاویه زیاد بن ابیه را بر کوفه و بصره مسلط ساخت و حکومت او به معنی قتل و ارباب و شکنجه شیعیان بود (جزایری، ۱۳۸۱: ۷۵۲-۷۵۱).

امام حسین (علیه‌السلام) در واکنش به شهادت «حجر بن عدی» و یارانش به معاویه نامه نگاری کرده و اعتراض شدید خود را اعلام می‌دارد به طوری که می‌نویسد: «ای معاویه! آیا تو همان نیستی که حجر و یارانش را که عابد و در برابر خدا متواضع بودند، به قتل رساندی؟ آنان که از بدعت‌ها بیزار بودند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند؛ اما تو آنان را از روی ستم و عداوت - پس از پیمان‌های محکم (در عدم تعرض به آنان) - کشتی و این عمل را از روی نافرمانی در برابر خداوند و سبک شمردن پیمان او انجام دادی». و نیز در اعتراض به شهادت «عمرو بن حمق» در نامه‌ای به معاویه از آن بزرگمرد به عظمت یاد می‌کند و می‌فرماید: «آیا تو قاتل عمرو بن حمق نیستی؛ همان

مردی که کثرت عبادت چهره‌اش را فرسوده کرده بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۹۵-۱۹۲).
و در نصب «زیاد ابن ابیه» و جنایات او در بخشی از نامه آن حضرت می‌خوانیم: «آنگاه زیاد را بر مسلمانان مسلط ساختی و او نیز آنان را به قتل می‌رساند و دست و پای آنان را به عکس یکدیگر (به طرز وحشتناک) قطع می‌کند و آنان را بر دار اعدام می‌آویزد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۴۶).
بنابراین امام حسین (علیه السلام) ساکت نمانده و برای دفاع از مظلومین و خون‌های به ناحق ریخته شده و ظلم و ستم عمال معاویه در صحنه حاضر است تا حدی که در آن شرایط دشوار، دست به اقدام متهورانه و مؤثری می‌زند که باعث می‌شود معاویه تا حدی اعمال پلید خود را کنترل کند، آن حضرت ابتدا مجلسی از شیعیان و اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تابعان ترتیب داد و در آن مجلس به ذکر فضائل علی (علیه السلام) و خاندان بزرگوار خود پرداخت و یاد و خاطره امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را در ذهن حاضران زنده ساخت و در پایان گفتار خود همه اصحاب و تابعان را بر صدق گفتار خود گواه گرفت و همه حاضران این مطالب را تأیید کردند، سپس امام (علیه السلام) آنها را به حق خدا و حق رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سوگند داد که این مطالب را به مردمانی که به ایشان اعتماد دارند در شهرها و قبایل دیگر ابلاغ کنند، این نقشه مانع مناسبی در برابر طغیان معاویه در سب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود.

به همین دلیل امام حسین (علیه السلام) تنها ندای حق طلبی بود که در آن زمان در برابر هر تجاوز و ستمی رعد آسا می‌غرید و در برابر اعمال متجاوزانه عمال بنی امیه مقاومت و ایستادگی می‌کرد و بسیاری از اندیشمندان و نام آوران را به ایجاد انقلاب و شورش بر علیه حکومت معاویه ترغیب و تشویق می‌نمود، اما اغلب آن‌ها منافع خود را بر مصالح دین ترجیح داده و پیمان‌های خود را پاس نمی‌داشتند (جزایری، ۱۳۸۱: ۷۵۲).

در ادامه به تکلیف محوری اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام) و امام خمینی (رحمه الله علیه)

می‌پردازیم:

تکلیف محوری در اندیشه دفاعی امام حسین (علیه‌السلام)

اوضاع حکومت یزید

یزید در حالی بر جای پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تکیه زده بود و ادعای خلافت مسلمین را می‌نمود که فردی نالایق، شرابخوار و بی‌بند و بار بود. امام حسین (علیه‌السلام) در جواب نامه معاویه، یزید را این گونه معرفی می‌فرماید: «...دوستان خدا را از خانه‌هاشان به دیار غربت تبعید می‌نمایند مردم را مجبور می‌کنی با پسرت که کودکی است نورس و شرابخوار و سگباز بیعت کنند...» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۴: ۲۲۹). و نیز امام حسین (علیه‌السلام) هنگام خروج از مدینه کنار قبر پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در وداعی سوزان و گدازان خطاب به روح بزرگ پیامبر درباره یزید فرمود: «آنان زورمداران از من می‌خواهند که با یزید، آن عنصر شرابخوار و تبهکار دست بیعت دهم؛ و اینک می‌نگرم که اگر چنین کنم به خدای کفر ورزیده‌ام و اگر دست رد بر سینه او زدم خونم را خواهند ریخت. هان ای پیامبر خدا! گواه باش که من از جوار تو ناخواسته و به زور بیرون می‌روم...» (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

از مطالب فوق اوضاع بنی امیه و یزید و شرایط امام حسین (علیه‌السلام) به خوبی مشخص است. دین خدا بازیچه فردی لابلالی و شرابخوار قرار گرفته و اکثریت مردم هم او را به عنوان خلیفه مسلمین پذیرفته‌اند و حتی مخالفان او هم هیچ تحرکی از خود نشان نمی‌دهند. امام بنا بر رسالت و تکلیفی که در راستای دین الهی و نقش خود به عنوان امام در بین مردم بر دوش دارد، باید وارد عمل شود. برخی از شاخص‌های تکلیف محوری در اندیشه دفاعی امام حسین (علیه‌السلام) به شرح زیر است:

۱- اطاعت از دستور خدا

بر هر مسلمانی واجب است که دستور خدا و خلفای الهی او را به عنوان یک تکلیف الهی اطاعت و اجرا نمایند. در همین راستا امام حسین (علیه‌السلام) بعد از برخورد با سپاه حر برای اصحاب خودش و اصحاب حر این گونه خطبه خواند و هدف خود را قیام برای اطاعت و اجرای فرمان خدا و رسول خدا بیان کرد. امام پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «ای مردم، رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده است: هر کس پادشاه ستمگری را بنگرد، که حرام خدا را حلال کرده، دین خدا را فرو افکنده، با

سنت پیامبر خدا مخالفت می کند و در میان مردمان با گناهکاری و ستم حکم می راند، سپس با سخنانی و اقدام بر او نشورد، سزاوار است که خداوند آن کس را نیز به سرانجام (خواری و عذاب) آن پادشاه دچار سازد...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۲۸۲).

۲- هدایت بشریت

یکی از تکالیف امام حسین (علیه السلام) که نشأت گرفته از اندیشه دفاعی آن حضرت بود، نجات انسان‌های در بند و هدایت آنان به سوی خداوند بود و باید از هر موقعیتی برای این هدف مهم استفاده می کرد، بنابراین به مکه رفت، آن هم در ایامی که مکه شلوغ بود مثل شعبان و تا ذی حجه آنجا ماند و به تبلیغ دین و هدایت بندگان خدا پرداخت (محدث قمی، ۱۳۸۴: ۷۲). ایشان در کلامی فرمود: «خدایا! تو می دانی آنچه از سوی ما انجام گرفته است به خاطر سبقت جویی در فرمانروایی و افزون خواهی در متاع ناچیز دنیا نبوده است؛ بلکه برای این است که نشانه‌های دینت را به مردم نشان دهیم و اصلاح در شهرهایت را آشکار کنیم. می خواهیم بندگان ستم دیده‌ات در امان باشند و به دستورها و سنت‌ها و احکامات عمل شود» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۵: ۴۱۷).

امام در نامه به بصریان ضمن تحلیل اوضاع ناهنجار و تأسف انگیزی که بر جامعه اسلامی سایه افکنده بود، مردم آزادیخواه و آزادمنش را به سوی حق و عدالت و راه و رسم عادلانه خدا و پیامبرش فراخواند و راه هدایت آنان را مستلزم اجابت و اطاعت خویش دانسته و نوشت: «فان تجیبوا دعوتی، و تطیعوا امری، أهدکم سبیل الرشاد.» (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۱۱۲)

۳- حفظ شریعت و دین

حفظ دین و شریعت خداوند به عنوان یک تکلیف در حالی بر دوش امام است که یزید دین خدا را به سخره گرفته است و در لهو لعب بسر می برد و باید برای حفظ دین، یزید کنار گذاشته شود به همین منظور هنگامی که مروان به زعم خود برای گشودن راه راست به امام پندی می دهد، امام می فرماید: «همه ما از خداییم و به سوی او بازمی گردیم، اگر با یزید بیعت کنم باید آخرین وداع را از اسلام بنمایم (و از اسلام جدا گردم) زیرا اسلام به رهبری مانند یزید گرفتار شده، و من از جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: عهده‌داری خلافت بر دودمان ابو سفیان حرام است.»

(ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۴۹).

۴- اصلاح جامعه و جاری ساختن سنت پیامبر و امیرالمؤمنین علی (علیهما السلام)

امام در وصیتی که برای برادرش محمد حنفیه هنگام خروج از مدینه می‌نویسد: «...جز این نیست که من به منظور ایجاد صلح و سازش در میان امت جدم خارج شدم، من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. من می‌خواهم مطابق سیره جدم رسول خدا و پدرم علی بن ابی طالب (علیها السلام) رفتار نمایم...» (قمی، ۱۳۸۴: ۷۲).

امام حسین (علیه السلام) به دنبال زنده کردن سنت‌های پیامبر و پدرش و مبارزه با بدعت بودند و این در حالی بود که در کنار بی‌تفاوتی نسبت به دین، بسیاری از احادیث و سنت‌های پیامبر تحریف شده بود و مسلمانان دچار حیرت و گمراهی شده بودند و واجبی بزرگ به نام امر به معروف و نهی از منکر به بوت‌ه فراموشی سپرده شده و مردم نسبت به دین و انحراف در آن، بی‌تفاوت شده بودند. تنها راه حل اصلاح جامعه و حفظ مکتب الهی، در مقابل انحراف موجود، قیام علیه آنها و در شرایط مقتضی، جهاد بود.

و همین‌طور امام در نامه‌ای به بصریان می‌نویسد: «أئی ادعوکم الی الله و الی نبیه، فان السنه قد امینت»: «شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر فرا می‌خوانم زیرا سنت به بوت‌ه فراموشی سپرده شده» و هشدار می‌دهد که رژیم سیاهکار و بیداد پیشه اموی سیره و روش عادلانه و انسانی و آزادمنشانه پیامبر را هدف قرار داده و با پایمال ساختن آن، استبدادی خشن و رسوا و بی‌منطق را به نام اسلام به جای آن نشانده است. (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۱۱۲)

۵- برچیدن ظلم و فساد

اسلام نه می‌پسندد کسی زیر بار ظلم می‌رود و نه دستور ظلم صادر می‌کند، به طوری که امام به صراحت در وصیتنامه خود بیان می‌فرماید: «من برای سرکشی و عداوت و فساد کردن و ظلم نمودن از مدینه خارج نشدم» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۴: ۳۶۰-۳۵۹). امام حسین (علیه السلام) حکومت وقت را ظالم و مفسد می‌داند و می‌فرماید: «آگاه باشید که اینان طاعت شیطان را پذیرفته‌اند و اطاعت خدای رحمان را ترک کرده‌اند آشکارا فساد می‌کنند. حدود الهی را ترک کرده‌اند، اموال بیت‌المال را به

خود اختصاص داده‌اند و حرام خدا را حلال و حرام او را حلال کرده‌اند (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۴۴: ۳۸۲). بنابراین امام برچیدن ظلم و ظالم را تکلیفی می‌داند که در راستای اجرای احکام الهی و اصلاح امت و سنت جدش باید به آن عمل نماید. بنابراین قیامش را علیه ظلم و ظالم زمان خویش یعنی حکومت یزید شروع می‌نماید.

۶- احقاق حق و زدودن باطل

وقتی سپاه حرّ بر امام سخت گرفت و او را از راه باز داشت امام حسین (علیه السلام) برخاست، خطبه کوتاهی را خوانده و در قسمتی از آن می‌فرماید: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَنَا يَعْمَلُ بِهِ وَأَنَّ الْبَاطِلَ لَنَا يَتَنَاهَى عَنْهُ»، «آیا نمی‌نگرید که به حق عمل نمی‌شود، و از باطل جلوگیری نمی‌گردد» (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۱۰۲). بنابراین امام نه تنها حکومت وقت را بر پایه حق ندانسته بلکه آن را در مسیر اجرای و عمل به حق و جلوگیری از باطل هم نمی‌داند. اینجاست که در اندیشه امام تکلیف دیگری که همانا احقاق حق و زدودن باطل است نیز نمایان می‌شود.

۷- عزت طلبی و ذلت ناپذیری

خداوند عزت را مختص خود و پیامبر و مؤمنان می‌داند: «الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»: «عزّت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است» (منافقون، ۸). تکلیف هر مسلمان و مؤمنی است طبق دستور خداوند زیر بار ذلّت نرفته و در راه کسب عزت از هر کوشش و حرکتی دریغ ننماید، بنابراین قیام و حرکت امام حسین (علیه السلام) که خود پرچمدار اجرای فرامین الهی است بر مبنای عزّت طلبی بود و لحظه‌ای تن به ذلت و سر به خواری نداد و سطر سطر قیام او نشان گر عزّت‌مداری و پایداری بر راه حق بود. به نمونه‌هایی از عزت‌طلبی و ذلت‌ناپذیری ایشان اشاره می‌کنیم:

امام در خطبه‌ای فرمود: «چقدر آسان است جان دادن در راه به دست آوردن عزت و زنده کردن حق. هرگز در راه عزت چیزی نیست جز زندگی جاودان و زندگی با ذلت چیزی نیست جز مرگ پایدار». یا در جای دیگری فرمود: «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيهِمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَقْرَ إِقْرَارَ الْبَعِيدِ» یعنی «نه بخدا قسم نه مانند ذلیلان تسلیم می‌شوم و نه مانند بردگان گردن می‌نهم» (وحیدی، ۱۳۸۴: ۲۳۶-۲۳۳).

وقتی عمر بن ابی طالب نزد امام آمد و عرض کرد: «...می‌شد که خود را کنار نمی‌کشیدی و بیعت می‌کردی؟» امام حسین (علیه‌السلام) در پاسخ فرمود: «وَأَنَّهُ لَا أُعْطَى الدَّيْبَةَ مِنْ نَفْسِي أَبَدًا...»، همانا حقیقت این است که من هرگز زیر بار پستی و ذلت نمی‌روم (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۵۱).

امام حسین (علیه‌السلام) در روز عاشورا در مقابل سپاه دشمن قرار گرفت و فریاد برآورد که: «أَلَا وَ إِنِّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هِيَهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ» یعنی «شگفتا! زنازاده فرزند زنازاده مرا بین یکی از دو چیز مجبور کرده است، بین مرگ و ذلت (تسلیم) و هیهات که ما ذلت و خواری را بپذیریم»، (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۱۲۱)

تکلیف‌مداری در اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)

یکی از مهم‌ترین اصول اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) که رمز موفقیت ایشان نیز در طول زندگی مبارزاتی و حیاتشان محسوب می‌شد بحث تکلیف‌مداری است. اساس تصمیم‌گیری‌های امام بر اصل تکلیف بنا شده بود. و آنچه را که خداوند امر یا نهی فرموده، تکلیف می‌شمرد و پیوسته بر این سخن تأکید می‌ورزید که «مهم برای ما این است که ما به تکلیفمان عمل بکنیم. به آنچه خدای تبارک و تعالی فرموده است عمل بکنیم» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۲).

این اصل در همه سطوح مدیریت و تصمیمات خود پا بر جا بوده، چنانچه در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای رجایی چنین می‌فرمایند: «اگر ما به تکالیفی که خدای تبارک و تعالی برای ما تعیین فرموده است عمل بکنیم، باکی از این نداریم که شکست بخوریم، چه از شرق و چه از غرب و چه از داخل چه از خارج، و اگر به تکالیف خودمان عمل نکنیم، شکست خورده هستیم؛ خودمان، خودمان را شکست دادیم» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۱۷۰).

در ادامه به شاخص‌های تکلیف‌محوری در اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) می‌پردازیم:

۱- اطاعت و اجرای فرمان الهی

در اندیشه دفاعی حضرت امام یکی از تکالیف مهم، اطاعت از خدا و اجرای فرمان الهی بود که به اعتقاد ایشان نصرت الهی و محو ظلم به وسیله همین عمل به تکلیف اتفاق خواهد افتاد: «کوشش این است که اولاً الهی بشویم، در راه خدا خدمت بکنیم، خودمان را فرمانبر از خدا بدانیم و

خودمان را از او و به سوی او بدانیم» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲۹۵).

امام در جمع مسئولین کشوری و لشکری عدم غرور در پیروزی ها و عدم ناراحتی در شکست ها را در سایه اطاعت از خدا مورد تأکید قرار داده و می فرماید: «ما نمی خواستیم خودمان یک چیزی بشویم که سرشکستگی پیدا کنیم ما می خواستیم اطاعت امر خدا را بکنیم. خدا فرموده است: بروید دست ظالم را قطع کنید. ما می رویم، آن قدری که قدرت داریم، دست ظالم را، بتوانیم قطع می کنیم؛ نتوانستیم، کار خودمان را انجام داده ایم. به ما فرموده است که «قاتلوه»، یا خداوند تعزیرشان می کند به دست شما. ما مقاتله می کنیم، اطاعت است؛ یعنی سر بسته و در بسته در اختیار او باید باشیم، اطاعت بکنیم» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۲۰۳).

۲- هدایت مسلمانان جهان

در اندیشه دفاعی حضرت امام هدف از مبارزه با ظلم، آرامش بعد از تحمل سختی هاست تا مقدمه هدایت به سوی خدا فراهم گردد: «تمام مسائلی که هست ما می خواهیم دست ظالم ها را کوتاه کنیم ان شاء الله و می خواهیم که قدرت ها را سرکوب کنیم و پایشان را از این بلاد مسلمین کوتاه کنیم ان شاء الله. همه اینها مقدمه این است که یک آرامشی در این بلاد پیدا بشود و دنبال این آرامش یک سیر روحی پیدا بشود، یک هدایت به سوی خدا پیدا بشود» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۵۱).

امام هدف از مقابله با صاحبان قدرت را احیای هویت اسلام و آموزش مبانی عقیدتی برای سربازان اسلام جهت آشنایی و هدایت آنان میدانند و می فرماید: «من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۹۱).

۳- هدف اسلام است

حضرت اما خمینی (رحمه الله علیه) هدف اصلی و ایده آل خود را حفظ اسلام و گسترش دین الهی قرار داده بود و مبارزه برای اسلام و حرکت کردن در مسیر آن را جز تکالیف الهی نمی دانست.

حضرت امام، حفظ اسلام را بالاترین وظیفه و تکلیف دانسته و ارزش آن را تا فراهم نمودن زمینه برای مبارزه طولانی و فدا کردن همه عزیزان در راه آن می‌داند: «برای اسلام باید جنگ بکنیم، برای اسلام باید فداکاری بکنیم. ما باز هم در این مواردی که کشته دادیم به قدری که در صدر اسلام کشته دادند، ما باز کشته ندادیم. ما باید فداکاری بکنیم. ما باید همه عزیزانمان را فدای اسلام بکنیم» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۵۰).

امام راهکار حفظ اسلام و ترویج اسلام را مبارزه با جهانخواران و خشکاندن ریشه‌های فساد می‌داند و می‌فرماید: «ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و سلم- را در جهان استکبار ترویج نماییم» (همان، ج ۲۱: ۸۱).

در اندیشه دفاعی حضرت امام حفظ جمهوری اسلامی ایران شرط حفظ اسلام بوده و آن را فریضه اعظم دانسته و می‌فرماید: «حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی، هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است» (همان، ج ۱۵: ۳۲۹).

امام تأکید ویژه‌ای هم به نیروهای نظامی و انتظامی در کنار سایر مردم برای حفظ اسلام و دفاع از کیان اسلامی داشته و آن را تکلیف بزرگی می‌داند: «شماها توجه داشته باشید، چه پاسداران و چه سایر قوای انتظامی و غیر انتظامی و چه سایر ملت، همه توجه داشته باشند که ما وظیفه داریم که این اسلامی که الآن به ما رسیده حفظش کنیم تا آن فرد آخری هم که - خدای نخواست - کشته می‌شود» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۱۱۲).

۴- اصلاح جامعه

یکی از بالاترین اهدافی که امام در اندیشه دفاعی خود دنبال می‌کرد اصلاح تک تک افراد و در نهایت اصلاح جامعه بود و آن را وظیفه و تکلیف علمای اسلام دانسته و راه آن را هم داشتن دیانت

همراه با سیاست بیان می فرمود و از طرفی این مهم را هدف واحد همه انبیاء و اولیاء به ویژه امام حسین (علیه السلام) می دانست: «علمای اسلام احساس کردند، اکثریت قریب به اتفاقشان احساس کردند که باید ما این سد عدم دخالت در سیاست را بشکنیم و ما باید وارد بشویم در امور. باید ما دخالت کنیم. باید اهتمام به امر مسلمین داشته باشیم... تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام. و همه آنها این مسئله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هر چه بزرگ باشد - بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا - وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد این فرد، باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد، رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۲۱۲).

۵- ایستادگی و مبارزه علیه جور و فساد

در اندیشه حضرت امام مقابله با ظلم و فساد یک وظیفه است که باید تکلیف خود را در قبال آن روشن کنیم. و بهترین الگوی مبارزه با ظلم را حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) می دانست: «حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد» (همان، ج ۱۷: ۵۲).

«سیدالشهدا - سلام الله علیه - از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود. فرمود که، می بینید که معروف، عمل بهش نمی شود و منکر، بهش عمل می شود. انگیزه این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد، انحرافات همه از منکرات است، جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است، اینها باید از بین برود و ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامش، انگیزه اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود. من جمله قضیه حکومت عدل، جور، حکومت جور باید از بین برود» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱). امام خمینی (رحمه الله علیه) درباره اهداف نهضت حسینی فرمود: «سیدالشهدا (سلام الله علیه) که همه عمرش را و همه زندگی اش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومت ها در دنیا ایجاد کردند، تمام عمرش را صرف این کرد و تمام زندگی اش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین

برود؛ معروف در کار باشد، منکرات از بین بروند... این باید سرمشق بشود از برای مسلمان‌ها»
(صحیفه امام، ج ۲۱: ۳).

بنابراین اندیشه، هنگامی که از طرف صدام مورد تجاوز و در حقیقت ظلم واقع شدیم امام مقابله با آن را یک تکلیف معرفی کرد: «تکلیف ما این است که در مقابل ظلم بایستیم و این کسی که تعدی به ما کرده است، تو دهنی به او بزیم و تا این قضیه را دنیا قبول نکند این جنگ هست و جنگ هم از طرف آنها هست، از طرف ما نیست» (همان، ج ۱۹: ۱۹۹).

۶- احقاق حق و زدودن باطل

حضرت امام در اندیشه دفاعی خود یکی از شرایط اسلام خواهی و مبارزه در راه اسلام و تشکیل حکومت اسلامی را احقاق حق و سفارش به حق می‌داند و تأکید زیادی به نیروهای نظامی و انتظامی دارند که از این امر مهم غفلت نورزند: «باید صبر کرد، سفارش به صبر کرد، برای احقاق حق، صبر لازم است. اگر ما اسلام را می‌خواهیم و اگر قرآن کریم را می‌خواهیم که در این مملکت و ان شاء الله در ممالک دیگر پیاده بشود و می‌خواهیم که یک حکومت اسلامی داشته باشیم، باید همه توصیه به حق بکنیم و سفارش به حق بکنیم. و در همه اطراف کشور، آنهایی که در کمیته‌ها هستند، آنهایی که در بسیج هستند، آنهایی که در دادگاه‌ها هستند و سپاه پاسداران، شهربانیها و همه با هم سفارش به حق بکنند» (همان، ۱۳: ۴۶۹).

حضرت امام هدف از مبارزه ملت ایران را از همان ابتدا اقامه عدل و احقاق حق و زدودن باطل دانسته و آنان را در این راه از دعای خیر خویش محروم نکرده و می‌فرماید: «خداوند تعالی این ملت را که از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۲۲ بهمن ۵۷ و از آن وقت تا کنون برای اقامه عدل الهی از هر چه داشته است گذشته است و عزیزان برومند خود را که قامت رشید و بلند آنان چون ابدیت استوار و گرمی خورشان چون عشق به جمال جمیل حق روح افزا بود، به پای دوست به قربانگاه فرستادند، با نور هدایت خود ارشاد، و با جلوه قدرت ازلی خود برومند و با بارقه روانبخش خود در احقاق حق و ابطال باطل استوار و پایدار فرماید، و این وحدت و صلابت را از آنان سلب ننماید» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۲۹۴).

و در جایی دیگر در همین زمینه و یادآوری حماسه کربلا با تأکید بیشتری می‌فرماید: «ملت شهیدپرور ایران بدانند این روزها روز امتحان الهی است. روز پرخاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند. روز انتقام از کفر و نفاق است. روز فداکاری است. امروز روز عاشورای حسینی است... امروز روز مقاومت است. چنان بر صدام و امریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست. امروز روز صیقل انسانیت انسان‌هاست. روز جنگ است. روز احقاق حق است. و حق را باید گرفت» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۲-۱۱).

۷- عزت طلبی و عدم پذیرش ننگ خواری و ذلت

یکی دیگر از تکالیف مهم دینی در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) عزت اسلام و مسلمین بود که از همان اول شروع نهضت و تا آخرین لحظات حاضر نشد که این عزت را فدای بعضی روابط و کوتاه آمدن در برابر ابر قدرت‌ها و سازش با آنان کنند و این همان تکلیفی است که خداوند در قرآن برای همه مسلمین بیان فرموده است که: «...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود (نساء/۱۴۱).

امام عزت طلبی و ذلت ناپذیری را مدیون امام حسین (علیه السلام) و یاران کم ایشان دانسته و می‌فرماید: «سلام بر حسین بن علی که با یاران معدود خویش برای برچیدن بساط ظلم غاصبان خلافت پیا خاست و از ناچیز بودن عده و غده به خود خیال سازش با ستمگر را راه نداد و کربلا را قتلگاه خود و فرزندان و اصحاب معدودش قرار داد و فریاد «هیهات منا الذلّة» اش را به گوش حق طلبان رساند» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۸۷). و نیز فرمود: «مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تن به خواری و ذلت بدهند و مرگ سرخ را بر زندگی ننگین ترجیح می‌دهند ما برای کشته شدن حاضریم و با خدای خود عهد نموده‌ایم که دنباله رو امام خود سیدالشهدا باشیم» (همان، ج ۱۳: ۲۱۳).

امام مرگ با عزت را به مراتب بالاتر از زندگی ذلیلانه چند روز این دنیا دانسته و می‌فرماید: «اگر ما تسلیم امریکا و ابر قدرت‌ها می‌شدیم، ممکن بود امنیت و رفاه ظاهری درست می‌شد و قبرستانهای ما پر از شهدای عزیز ما نمی‌گردید، ولی مسلماً استقلال و آزادی و شرافتمان از بین

می‌رفت. آیا ما می‌توانیم نوکر و اسیر امریکا و دولت‌های کافر شویم تا بعضی چیزها ارزان شود و شهید و مجروح ندهیم؟! هرگز، ملت زیر بار این ننگ نخواهد رفت و تن به این ذلت نخواهد داد» (همان، ج ۱۷: ۳۵). و نیز می‌فرماید: «به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم اگر ما با دست جنایتکار امریکا و شوروی از صفحه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۷۰).

تجزیه و تحلیل

در تجزیه و تحلیل این تحقیق به پرسش تحقیق پاسخ می‌دهیم که آیا اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) در جهت ادای تکلیف الهی از اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام) الگو گرفته است؟

در پاسخ به این سوال، طبق تحقیقی که انجام شد و مطالبی که به دست آمد شاخص‌های زیر در اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام) استخراج شد:

- ۱- اجرای فرمان الهی، ۲- هدایت بشریت، ۳- حفظ شریعت و دین، ۴- اصلاح جامعه، ۵- برچیدن ظلم و فساد، ۶- احقاق حق و زدودن باطل، ۷- عزت طلبی و ذلت ناپذیری

شاخص‌های فوق را در مورد امام حسین (علیه السلام) و حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) بررسی و مقایسه می‌کنیم:

اطاعت از دستور خدا

شاخص اجرای فرمان الهی که در حقیقت اجرای حکم مافوق به شمار می‌رود در اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام) وقتی نمایان می‌شود که ایشان در برخورد با سپاه حر در جمع آنان و یاران خویش هدف خود را اطاعت از دستور خدا، طبق فرمایش پیامبر که باید علیه سلطان ستمکار قیام کرد بیان می‌فرماید.

با بررسی اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمة الله علیه) هم این شاخص، در بیان ایشان که در چند جا فرمود باید خودمان را فرمانبر از خدا بدانیم تا بتوانیم اسلام را حفظ کنیم و با اجرای فرمان الهی

است که نصرت خدا هم شامل حال ما خواهد شد، خود را نشان می دهد.

هدایت بشریت

در شاخص هدایت بشریت اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام) ایجاب می کند که بنا بر تکلیفی که بر دوش دارد انسانیت را از گمراهی بیرون آورده و به سوی هدایت الهی رهنمون سازد و بیان می دارد که هدفش فرمانروایی و کسب متاع ناچیز دنیا نیست و نیز در نامه خود به بصریان می نویسد که تنها راه هدایت پیروی از او می باشد.

با تحقیق در اندیشه دفاعی حضرت امام می توان این شاخص را در هدایت مسلمانان جهان مشاهده کرد که ایشان به عنوان تکلیفی بر دوش خود و نظام اسلامی دانسته و همه مبارزات را در جهت تحقق این هدف بیان می دارد و به قول خودش دلیلی برای انجام ندادن این تکلیف وجود ندارد.

حفظ شریعت و دین

حفظ دین، یکی از تکالیف بسیار مهمی است که بر دوش امام حسین (علیه السلام) است و در حقیقت فلسفه وجودی امام هم برای انجام این تکلیف است. بنابراین در اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام) مبارزه با حکومت فاسد وقت برای حفظ دین واجب است. به همین دلیل امام در پاسخ دلسوزی ظاهری مروان که امام را نصیحت می کند، به صراحت حکومت یزید را نه انحراف در دین بلکه فاتحه اسلام می خواند و اعلام می کند برای حفظ دین حاضر به مصالحه و کنار آمدن با یزید نیست و نیز حدیث پیامبر را یادآوری می کند که حکومت بر آل ابو سفیان حرام است.

حفظ اسلام در اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه الله علیه) در اکثر مواضع و سخنان و پیامهایش بروز آشکار و روشنی دارد به طوری که به جوانان سفارش می کند که خوب مجهز شوند و برای اسلام جنگ و فداکاری کنند تا حدی که اعتقاد دارد ما باید همه عزیزانمان را فدای اسلام بکنیم. امام محکم ترین راه برای حفظ اسلام را مبارزه با طاغوت های زمان و نظام ها و حکومت های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم معرفی می کند. نکته مهم دیگر در اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه الله علیه) این است که اگر با قدرت های مستکبر که در سراسر جهان آشوب پیا کرده اند

سازشی صورت بگیرد اسلام دفن و نابود خواهد شد بنابراین باید با شجاعت و استقامت، مبارزه در راه حفظ اسلام ادامه پیدا کند.

اصلاح جامعه

شاخص اصلاح جامعه در اندیشه دفاعی امام حسین (علیه‌السلام) تا آن اندازه مهم است که در وصیت نامه خود به محمد حنفیه می‌فرماید: «من به منظور ایجاد صلح و سازش در میان امت جدم خارج شدم» و این مهم در شرایطی بود که اکثر مردم از راه و سنت پیامبر و حضرت علی منحرف شده بودند و باید این مسیر هر چه زودتر عوض گردیده و به طریق حق خود باز گردد بنابراین مؤثرترین راه از منظر امام حسین (علیه‌السلام) قیام علیه حکومتی بود که به صراحت و جسارت این اعوجاج را ایجاد کرده بود. امام در نامه به بصریان اعلام می‌دارد که راه و رسم و سنت پیامبر به بوت‌ها فراموشی سپرده شده است. و نیز در هنگام رویارویی با لشکر حر علت قیامش را همین نکته متذکر می‌شود

این شاخص در اندیشه دفاعی حضرت امام به عنوان یک تکلیف الهی آن قدر با اهمیت است که یکی از بالاترین اهدافی که دنبال می‌کند اصلاح تک تک افراد و در نهایت اصلاح جامعه است. امام این تکلیف را که بر دوش همه انبیا، امامان، علما و فرد فرد مردم می‌داند و فدا شدن در این راه را نیز بالاترین ارزش می‌شمارد و قیام سید الشهداء و فدا کردن یارانش را در جهت انجام این تکلیف می‌داند

برچیدن ظلم و فساد

امام حسین (علیه‌السلام)، در مورد این شاخص، قیام خود را بر اساس ظلم رد می‌کند و می‌فرماید: «من برای سرکشی و عداوت و فساد کردن و ظلم نمودن از مدینه خارج نشدم» و هم هشدار می‌دهد که حکومت وقت حلال خدا را حرام و حرام او را حلال کرده و مشغول فساد هستند، پس باید بر اساس تکلیفی که در اندیشه دفاعی ایشان، بر دوش هر مسلمانی است این ظلم و فساد برچیده شود.

این شاخص در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) با ذکر اهداف امام

حسین (علیه السلام) در بسیاری از مواقع خیلی پر رنگ و اساسی متبلور است. ایشان به صراحت می‌فرماید: «حضرت سید الشهداء - سلام الله علیه - به همه آموخت که در مقابل ظلم، در مقابل ستم، در مقابل حکومت جائز چه باید کرد» و در سخنی دیگر بیان می‌فرماید که این حرکت و هدف امام حسین (علیه السلام) باید سرمشق ما بشود. بنا بر این اندیشه، هنگامی که از طرف صدام مورد تجاوز و در حقیقت ظلم واقع شدیم امام مقابله با او را یک تکلیف معرفی کرده و می‌فرماید: «تکلیف ما این است که در مقابل ظلم بایستیم و این کسی که تعدی به ما کرده است، تو دهنی به او بزینیم».

احقاق حق و زدودن باطل

امام حسین (علیه السلام) در اندیشه دفاعی خود یکی از تکالیفی که به عنوان امام بر حق جامعه بردوش خود احساس می‌کند احقاق حق و زدودن باطل است، بنابراین وقتی با سپاه حر برخورد می‌کند یکی از جملات نورانش این است که «آیا نمی‌نگرید که به حق عمل نمی‌شود، و از باطل جلوگیری نمی‌گردد».

در اندیشه امام خمینی (رحمه الله علیه) در جهت احقاق حق و نفی و زدودن باطل، سفارش به حق و صبر در به ثمر نشستن حق را یکی از لوازم مهم مبارزه می‌داند. امام شرایط آن روزها را همانند کربلا و عاشورای حسینی دانسته و مبارزه با صدام و استکبار جهانی را هم در راستای همین هدف معرفی می‌کند و می‌فرماید امروز روز احقاق حق است. و حق را باید گرفت. ایشان ضمن قدردانی از ملتی که از همان ابتدای قیام برای اقامه عدل بپا خاسته از خداوند جهت احقاق حق و ابطال باطل استواری درخواست می‌کند.

عزت طلبی و ذلت ناپذیری

شاخص عزت طلبی و ذلت ناپذیری در اندیشه دفاعی امام حسین (علیه السلام) طبق دستور و آیات قرآن که آن را مخصوص خدا و رسول و مؤمنین می‌داند، جایگاه بلندی دارد. اوج عزت مداری امام آنجایی است که این جمله معروف را در مقابل دشمن می‌فرماید «هَيْهَاتَ مِنَّا الذُّلَّةُ» یعنی هیهات که ما ذلت و خواری را بپذیریم». امام مرگ با عزت را بر زندگی ذلت‌بار ترجیح داده و جان دادن در راه بدست آوردن عزت را آسان تر از زیر بار ذلت زندگی کردن می‌داند و محکم بر این اعتقاد

ایستاده به حدی که می‌فرماید: «نه بخدا قسم نه مانند ذلیلان تسلیم می‌شوم و نه مانند بردگان گردن می‌نهم». امام حسین (علیه‌السلام) این فرهنگ و اندیشه را به اهل بیت خود هم منتقل کرده و از آنان می‌خواهد که اسارت را با حفظ عزت تحمل کنند و نوید می‌دهد که «اهل بیت من! شما اسیر خواهید شد؛ ولی حقیر و ذلیل نخواهید شد».

یکی از تکالیف مهم دینی در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) عزت اسلام و مسلمین بود. امام عزت طلبی و ذلت ناپذیری را مدیون امام حسین (علیه‌السلام) علیه السلام و یاران کم ایشان دانسته و با خدا عهد می‌بندد که خود و ملت ایران در این تکلیف الهی دنباله رو ایشان باشند. امام ملاقات خدا با خون سرخ شرافتمندانه را بهتر از ننگ نوکری آمریکا و دولت‌های کافر بیان می‌کند.

نتیجه

در مؤلفه تکلیف محوری که شامل هفت شاخص در اندیشه دفاعی امام حسین (علیه‌السلام) بود و همین شاخص‌ها را در اندیشه امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) مورد مقایسه قرار دادیم، نتیجه تحقیق و بررسی در جدول زیر به این شرح آمده است:

جدول مقایسه مؤلفه تکلیف محوری

| ردیف | امام حسین (علیه السلام) | امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) |
|-------|--|--------------------------------------|
| ۱.... | اطاعت و اجرای دستور خدا | اطاعت و اجرای فرمان الهی |
| ۲.... | هدایت بشریت | هدایت مسلمانان جهان |
| ۳.... | حفظ شریعت و دین | هدف اسلام است |
| ۴.... | اصلاح جامعه و جاری ساختن سنت پیامبر و امیرالمومنین علی علیهما السلام | اصلاح جامعه |
| ۵.... | برچیدن ظلم و فساد | ایستادگی و مبارزه علیه جور و فساد |
| ۶.... | احقاق حق و زدودن باطل | احقاق حق و زدودن باطل |
| ۷ | عزت طلبی و ذلت ناپذیری | عزت طلبی عدم پذیرش ننگ و خواری و ذلت |

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود شاخص های ستون اول، شاخص های تکلیف محوری در اندیشه امام حسین (علیه السلام) است که به عنوان الگو احصا شده است، و ستون دوم شاخص های تکلیف محوری در اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه الله علیه) است که با مقایسه این ستون ها و شاخص های آن این نتیجه حاصل می شود که این شاخص ها در برخی موارد در همان وسعت و در برخی موارد در وسعت کمتر در اندیشه دفاعی امام خمینی (رحمه الله علیه) نیز وجود داشته است. بنابراین می توان به این نتیجه رسید که امام خمینی (رحمه الله علیه) در حد وسع و حیطة عمل و اختیارات خود در عمل به تکلیف از امام حسین (علیه السلام) الگو گرفته و پیروی کرده است.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲). **ترجمه عیون أخبار الرضا (علیه السلام)**، چاپ اول، (ترجمه: حمید رضا مستفید و علی اکبر غفاری). تهران: نشر صدوق،
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۸۵). **تحف العقول**، چاپ پنجم، (ترجمه: حسن زاده). قم: انتشارات آل علی (علیه السلام).
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۷۷). **غم نامه کربلا (ترجمه اللهوف علی قتلی الطفوف)**، چاپ اول، (ترجمه: محمد محمدی اشتهاردی). تهران.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد. (۱۳۸۰). **در سوگ امیر آزادی (ترجمه مثیر الأحزان)**، چاپ اول، (ترجمه: علی کرمی). قم: نشر حاذق.
- بشارتی، محمد رضا، حشمتی جدید، مهدی (۱۳۹۳). **روش تحقیق و نگارش پایان نامه**-. تهران: انتشارات سخنوران
- پیری، هادی (۱۳۹۱)، **گزیده مقالات همایش تبیین اندیشه های دفاعی امام خامنه ای (مدظله) (روش شناسی و مؤلفه های اندیشه دفاعی امام خامنه ای)**، ج ۱، تهران: یاران شاهد، سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح - اداره عقیدتی سیاسی دانشگاه صنعتی مالک اشتر
- جزائری، نعمت الله بن عبد الله (۱۳۸۱). **قصص الأنبياء (قصص قرآن - ترجمه قصص**

الأنبياء جزأثری)، چاپ اول (مترجم: مشایخ، فاطمه)، ناشر: انتشارات فرحان
جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۳). مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان، تهران: سپاه
پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ

جوادی آملی،حق و تکلیف

حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی. (۱۳۸۰). الحیاء، چاپ اول، (ترجمه
احمد آرام)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، مجموعه نرم افزار نور
خود سیانی، مصطفی و مقیسه رضا. (۱۳۹۳). گزیده مقالات دومین همایش تبیین اندیشه‌های
دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله) (الگوی آمادگی و رزمی در اندیشه فرماندهی معظم کل قوا
حضرت امام خامنه‌ای)، جلد ۱، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی
نیروهای مسلح، اداره عقیدتی سیاسی دانشگاه مالک اشتر، ص (۲۴۸-۲۰۵)

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ
دوم، (مترجم: خسروی، غلامرضا / مصحح: خسروی حسینی، غلامرضا)، تهران:
مرتضوی

رشید زاده، فتح اله. (۱۳۸۹). تبیین اندیشه‌های نظامی فرماندهی معظم کل قوا، فصلنامه
مدیریت نظامی، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۹، ص ۱-۲۸

قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب اسلامیة
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی، جلد پنجم، چاپ چهارم، (محقق / مصحح: غفاری
علی اکبر و آخوندی، محمد)، تهران: دارالکتب الإسلامیة

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی، جلد دوم، چاپ چهارم، (محقق / مصحح: غفاری
علی اکبر و آخوندی، محمد)، تهران: دارالکتب الإسلامیة

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵). أصول الکافی، چاپ سوم، (ترجمه محمد باقر کمره‌ای)،
قم: اسوه

- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). **الکافی**، قم: دارالحدیث
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۶۲). **زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام**، (ترجمه جلد ۴۴ بحار الأنوار). چاپ دوم، (مترجم: نجفی، محمد جواد)، تهران: اسلامیة
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۷۸). **ایمان و کفر (ترجمه کتاب الإیمان و الکفر بحار الأنوار، جلد ۶۴)**، (ترجمه عزیز الله عطاردی قوچانی)، تهران: عطاردی
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳). **بحار الأنوار**، جلد ۴۴، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی
- محدث قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۴). **در کربلا چه گذشت (ترجمه نفس الهموم)**، (ترجمه محمد باقر کمره ای)، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران
- مطهری، مرتضی، بی تا، **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**، جلد ۱۶، نرم افزار نور
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). **عاشورا ریشه ها انگیزه ها، رویدادها پیامدها**، چاپ پنجم، قم: مدرسه الامام علی بن ابی الطالب
- نوروزی، محمد تقی. (۱۳۸۵). **فرهنگ دفاعی-امنیتی**، تهران: انتشارات سنا، مرکز مطالعات و پژوهش های مدیریت
- وحیدی، محمد. (۱۳۸۴). **عزت و ذلت در مکتب اسلام و سیره اولیای دین با تاکید بر سیره سید الشهدا (علیه السلام)**، قم: موسسه فرهنگی-تحقیقاتی دارالذکر

